

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: سیلویا بیژنیان - Sylvia Bejanian
۱۵ جنوری ۲۰۲۰



تی یری میسان

حیات خلوت روابط ایالات متحده و ایران

با به قتل رساندن سپهبد حاج قاسم سلیمانی ، دونالد ترامپ می توانست جنگ جهانی سوم راه بیندازد. این نظر جبهه مخالفان دولت ایالات متحده و رسانه های بین المللی می باشد . برای تی یری میسان ، آنچه در حیات خلوت این روابط می گذرد بسیار متفاوت از صحنه آرائی موجود می باشد . به نظر او ما به سمت عقب نشینی نظام یافته ایالات متحده و ایران از خاور میانه می باشیم.

ولتر شبکه | دمشق (سوریه) | ۱۴ جنوری ۲۰۲۰



با برشمردن بحران گروگان های سال ۱۹۷۹ که پرزیدنت کارتر را در مقابل ایران قرار می داد، پرزیدنت ترامپ توانست غرور ملی ایالات متحده را احیاء کند. اما این داستان تنها صحنه سازی والتر کروئکریت خبرنگار می باشد .

با اشاره به این مطلب، او پیامی برای ایران فرستاد. کشور ایران که در گذشته توانسته بود توافقات مثبتی با پرزیدنت ریگان داشته باشد .

دو کشور متفاوت

درک روابط میان ایالات متحده و ایران از آنجائی دشوار است که این دو کشور از درون بسیار متفاوت می باشند: ایالات متحده توسط پرزیدنت دونالد ترمپ هدایت می شود ، اما بسیاری از متخصصان اشاره به مخالفت دولت فدرال با او دارند ، چرا که احکام او را اجراء نمی کنند و برای استیضاح وی توسط مجلس اقدام کرده اند .

این موضوع مربوط به تقسیمات سیاسی میان جمهوری خواهان و دموکرات ها نمی باشد ، چرا که پرزیدنت ترمپ به هیچ یک از این احزاب تعلق ندارد هر چند توانست نامزدی خود را از طریق آنها دریافت کند ، اما یک شکاف فرهنگی میان آنها مشهود است : سه جنگ داخلی آنگلو ساکسون (جنگ داخلی بریتانیا. جنگ استقلال طلبانه ایالات متحده و جنگ جدائی خواهی). هم اکنون فرهنگ (ردنک ها) که وارث پیروزی غرب می باشند ، و دولت (پوریتان راست دینان) که وارث پدران مهاجر می باشند و همچنین (می فلاور) در مقابله با یک دیگر قرار گرفته اند [1]

در ایران دو قدرت رقیب وجود دارد : دولت شیخ حسن روحانی از یک سو و دولت رهبر معظم انقلاب از سوی دیگر . هیچ یک از این گروه ها کشور را فلج نکرده اند ، اما نبردی تا حد مرگ میان آنها در جریان است.

پرزیدنت روحانی ، نماینده بورژوازی تهران و اصفهان و بازرگانی است که در داد و ستد های بین المللی حضور دارند و توسط تحریم های ایالات متحده بسیار ضربه خورده اند. شیخ حسن روحانی دوست دیر پای دولت عمیق ایالات متحده می باشد : او نخستین ایرانی است که در دوران حکومت ریگان و اسرائیل توانست موضوع ایران-کنترا را در سال ۱۹۸۵ به جریان بیندازد . او توانست هاشمی رفسنجانی را نزد اطرافیان اولیور نورت معرفی کند ، تا از این طریق او بتواند سلاح خریداری نماید و به صورت فرمانده ارشد ارتش و نخستین شخص ثروتمند ایران درآید و مقام ریاست جمهوری این کشور را به دست آورد . شیخ حسن روحانی توسط دولت اوباما انتخاب شد و علی اکبر ولایتی به هنگام مذاکرات سری با اوباما در سال ۲۰۱۳ توانست به ملی گرائی لائیک پرزیدنت محمود احمدی نژاد پایان دهد و روابط میان کشور ایران و ایالات متحده را احیاء نماید .

به عکس رهبر انقلاب ، مقامی است که توسط امام روح الله خمینی به وجود آمده که بر مبنای جمهوری افلاطون بنا شده است - و مشابه اسلامی برای آن وجود ندارد . آیت الله معظم خامنه ای باید بر تصمیمات سیاسی نظارت داشته باشد به صورتی که آنها مغایر اسلام و انقلاب ضد امپریالیستی ایران در سال ۱۹۷۸ نباشند . او رهبر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است ، که سپهبد حاج قاسم سلیمانی جزو همین گروه به حساب می آید . سپاه پاسداران انقلاب دارای بودجه بسیار پر نوسانی است که علت آن بالا و پائین آمدن قیمت نفت می باشد . از این رو سپاه پاسداران بیش از دولت روحانی تحت تأثیر تحریمات ایالات متحده قرار دارد . در طی سال های اخیر، سپاه پاسداران کوشیده که در قالب اسلام ، تمام رهبران مذهبی و سیاسی مسلمان را حتا بزرگترین مخالفان خود را در تهران گرد هم آورد .

بسیاری از این تصمیماتی که توسط یکی از گروه های سیاسی چه در ایران و چه در ایالات متحده گرفته می شود بلافاصله توسط جریانات مخالف رد می شوند.

یکی دیگر از مشکلاتی که در درک روابط این دو کشور وجود دارد ، دروغ هائی است که این دو قدرت جهانی طی سالها ، با آن مواجه بودند . ما تنها چند تائی از آنها را که در این روزهای اخیر مطرح شده است، عنوان می کنیم :

هرگز بحران گروگان ها در سال ۱۹۷۹ وجود نداشته . پرسنل دیپلماتیک ایالات متحده که زندانی شدند در حال جاسوسی در کشور ایران بودند . سفارت ایالات متحده در تهران مقر سازمان سیا برای تمام خاور میانه بوده است . ایالات متحده به تعهدات دیپلماتیک خود عمل نکرده . دو نگیهان که از نیروهای بحری ایالات متحده در سفارت بودند ، به افشاکگری اقدامات سازمان سیا پرداختند . تا امروز وسایل جاسوسی در اماکن سفارت و در اسناد فوق سری آن که در ۸۰ جلد به چاپ رسیده نمایان است .

جمهوری اسلامی ایران هرگز دولت اسرائیل را به رسمیت نشمرده اما هرگز قصد نابود سازی ملت یهود را نیز نداشته . جمهوری اسلامی ایران بر اصل (یک انسان و یک صدا) اعتقاد دارد ، که تأکید آن بر فلسطینی هائی نیز می باشد که مهاجرت کرده اند و ملیت کشور دیگری را دارند . در سال ۲۰۱۹ جمهوری اسلامی پروژه رفرا ند می برای تعیین سرنوشت در سرزمین فلسطین (که شامل اسرائیل و فلسطین سیاسی می باشد) برای شورای امنیت سازمان ملل فرستاد ایران و اسرائیل دشمنان آشتی ناپذیری برای یکدیگر می باشند چرا که هم زمان از لوله نفتی ایلات- اشکلون که در مالکیت دو کشور قرار دارد ، بهره برداری می کنند [۲]

ایران از سال ۱۹۸۸ هیچ گونه فعالیتی در تحقیقات اتمی برای به وجود آوردن سلاح های اتمی صورت نداده . امام خمینی اعلام کرد که سلاح های کشتار جمعی مغایر دیدگاه اسلامی می باشند . اما با اسنادی که توسط اسرائیل در این زمینه ر بوده شده نشان می دهد ، بنیامین ناتانیاهو اجازه داده تا در سال ۲۰۱۸ تحقیقات پیشین فاش شود که در آن ژنراتور امواج شوک مورد مطالعه قرار گرفته بود (این قطعه در ساخت بمب اتمی مؤثر است) [۳] . این تنها یک وسیله اتمی نیست ، بلکه مکانیزمی است که می تواند کاربردهای دیگری نیز داشته باشد .



از دیدگاه غرب ، پریزدنت ترمپ نشان داد که حاج قاسم سلیمانی در تابلوی تروریست های کشته شده توسط او قرار دارد . اما از دیدگاه خاور میانه ، او تنها قطب مبارزات خود را تغییر داده است : پس از کشتن خلیفه ابو بکر بغدادی ، او بزرگترین دشمن داعش را به قتل رسانید که سپهبد حاج قاسم سلیمانی بوده است .

به قتل رساندن یک قهرمان

هم اکنون قتل سپهبد حاج قاسم سلیمانی و بحرانی را که وجود آورد با داده هائی که در دست داریم بررسی می کنیم .

سپهبد حاج قاسم سلیمانی یک سرباز استثنائی بود . او در جنگ تحمیلی عراق به ایران در سال ۱۹۸۸-۱۹۸۰ - توانست تجربه کافی به دست آورد . نیروهای ویژه او با نام القدس (که به مفهوم بیت المقدس در زبان فارسی و عربی است) به کمک مردمان ساکن خاور میانه که قربانی نیروهای امپریالیستی بودند شتافتند . او به هنگام جنگ اسرائیل در سال ۲۰۰۶ در کنار سید حسن نصرالله لبنانی و جنرال حسن ترکمانی سوری در بیروت حضور داشت . او به خوبی تفاوت میان امپریالیزم و ایالات متحده را می شناخت و بارها با واشنگتن در مورد اتحادی محدود مانند مبارزه علیه طالبان افغان در سال ۲۰۰۱ با جرج بوش پسر مذاکراتی داشت . هر چند پس از ماه مه ۲۰۱۸، به او اجازه دادند تا در کنار نیروهای شیعه به مبارزات خود ادامه بدهد . او بدون در نظر گرفتن آتش بس سال ۱۹۷۳ میان اسرائیل و سوریه ، از خاک سوریه حملاتی به سمت اسرائیل آغاز کرد که همین امر برای دمشق خطر آفرین بود .

پرزیدنت ترمپ به خوبی از نقش نظامی او خبر داشت که تحت او امر آیت الله عظمی خامنه ای مبارزه می کرد ، اما او از جریان نمادین شدن او در تمام دانشکده های نظامی جهان و تحسین و ستایشی که به همراه داشت، غافل بود . او با دستور قتل او ، مرتکب خطای بزرگی شد به صورتی که به شهرت خود در خاور میانه لطمه زد . در واقع او در مقام رئیس جمهور ایالات متحده بارها از حمایت کشورش به القاعده و داعش انتقاد کرد و اکنون مسؤول قتل شخصی شده که با خون و جان خود در صحنه بسیاری از عملیات شرکت داشت . مشخص است که هیچ توجیهی برای کشتن غیر قانونی این فرمانده بزرگ وجود ندارد. اما این در مسیر رفتارهای ایالات متحده از هنگام به وجود آمدن این کشور قرار دارد.

به قتل رساندن حاج قاسم سلیمانی در واقع در فرایند نام گذاری تروریست به سپاه پاسداران از سوی واشنگتن بوده است مردمان ایران خود را یک ملت و یک تمدن می شناسند . از این رو کشته شدن حاج قاسم سلیمانی به طور موقت تمام نیروهای سیاسی کشور را متحد کرد . میلیون ها نفر به خیابان ها آمدند تا در مراسم خاکسپاری و سوگواری او شرکت داشته باشند .



هیچ درگیری رخ نخواهد داد

تمام رسانه های غربی طرح پاسخ حمله ایران را که از چند سال پیش وجود داشت عنوان کردند. اما هیچ یک از این طرح ها از سوی رهبر انقلاب و حسن روحانی به میان نیامده. مردم ایران روح کودکانه ای ندارند که بخواهند در حیاط خلوت مدرسه بجنگند. آنها یک ملت هستند. از این رو دو رهبر برای منافع کشور خود وارد عمل شدند. به همین منظور رو واژه پر پیچ و خم انتقام مفهوم خود را از دست می دهد. از سوی ایران هیچ حرکت انتقام جویانه ای وجود نخواهد داشت، همانطور که در سال ۲۰۰۸ در دمشق حزب الله از به قتل رسیدن غیر قانونی عماد مغنیه توسط اسرائیل عکس العمل متقابل از خود نشان نداد.

برای شیخ حسن روحانی، مستقل از مرگ حاج قاسم سلیمانی، ایجاد روابط با واشنگتن بسیار اهمیت دارد. او دولت اوباما را در انتخاب شدن خود مؤثر قلمداد می کند. دونالد ترمپ تنها تصادفاً به قدرت رسید و از همان ابتداء استیضاح وی مورد سؤال بوده است (در جریان روسیاقیت و اوکراین گیت). همچنین بارها از مذاکره با حسن روحانی شانه خالی کرده. اما پرزیدنت ترمپ همچنان در صحنه حضور دارد و در چهار سال آینده وضع به همین منوال خواهد بود. تحریم های غیر قانونی برای اقتصاد ایران کمر شکن بوده اند. همچنین عکس الملل محافل بین الملل در ارتباط با به قتل رساندن حاج قاسم سلیمانی باعث شد تا پرزیدنت ترمپ در وضعیت برتر قرار بگیرد و خود را برای مذاکره با ایران آماده سازد.

برای رهبر انقلاب، نه تنها ایالات متحده از یک قرن پیش برای ایران نقش یک درنده را ایفاء می کند و دونالد ترمپ نیز مردی است که نمی توان به گفته هایش اعتماد کرد. او به وعده های خویش و به وعده های رئیس جمهور پیشین ایالات متحده وفا نکرده. قرار داد ۵+۱ از سوی شورای امنیت سازمان ملل تأیید شده بود. ایران این قرار داد را بسیار محکم می پنداشت. اما دونالد ترمپ آن را پاره کرد، هرچند قانوناً می توانست این کار را انجام دهد. در کنار این قرار داد علنی، یک قرار داد سری نیز وجود داشت که در آن محدوده نفوذ در خاور میانه برای طرفین درگیر مشخص شده بود. این سند دوم نیز از سوی دونالد ترمپ پاره شد و اومی خواهد شخصاً در این قرار داد ها نقش داشته باشد.

بسیار سریع ایران نشان داد که حاضر نیست به تعهدات قرار داد ۵+۱ متعهد بماند. این در حالی بود که نمایندگان مجلس عراق که طرفدار ایران بودند از نیروهای نظامی ایالات متحده خواستند تا خاک عراق را ترک کنند. خلاف آن چه رسانه های غربی متوجه شدند، این دو تصمیم به صورت یک مزایده عمل نکرده، بلکه پیشنهاد صلح بوده. قرار داد ۵+۱ پس از عقب نشینی ایالات متحده دیگر وجود ندارد. ایران قصد نجات آن را به خوبی نشان داده. عقب نشینی ارتش ایالات متحده نه تنها از عراق بلکه از خاور میانه مسؤلیتی است که دونالد ترمپ به هنگام انتخابات ریاست جمهوری خود متقبل شده بود. اما محقق کردن آن با وجود مخالفینی که در دولت خود دارد غیر ممکن است. از این رو ایران در کنار او قرار گرفت.

لابی های قدرتمند حوزه های نفتی ایالات متحده حمایت خود را به پرزیدنت ترمپ اعلام کردند و دکترین کارتر را زیر سؤال بردند. در سال ۱۹۸۰، جیمی کارتر عنوان می کرد که نفت خلیج فارس برای اقتصادی ایالات متحده ضروری است. از این رو سنت کوم از سوی جانشین او به وجود آمد و پنتاگون ضامن دستیابی ایالات متحده به نفت خلیج بود. اما امروزه، ایالات متحده به لحاظ منابع انرژی استقلال یافته و نیازی به نفت خلیج ندارد و از این رو ضرورتی وجود ندارد تا ارتش خود را در این منطقه مستقر نمایند. برای آنها این دیگر موضوعی برای رسیدگی نمی باشد. همچنین به چنگ آوردن نفت عربی و ایرانی اهمیتی ندارد و آنها بر روی کنترل فروش نفت در جهان متمرکز شده اند.

رهبران سیاسی هنوز نتوانسته اند در این تحول وسایل ارتباطی خود را هماهنگ سازند . آنها زیاد و بسیار تند صحبت می کنند . برای خود نقش هائی آفریدند که عقب نشینی از آن امکان پذیر نمی باشد . به نظر می رسد پاسداران انقلاب اسلامی در برابر ندهای انتقام جویانه آنها می بایستی پاسخ بدهند . اما از آن جائی که خود را مسؤول می دانند ، هرگز نکوشیدند تا به وخامت اوضاع بیفزایند . پاسداران انقلاب از این رو تصمیم گرفتند تا به دو پایگاه نظامی ایالات متحده در عراق حمله کنند و هیچ قربانی به جا نگذارند . فرانسه ، ایالات متحده و انگلستان که سوریه را در به کار گیری از سلاح های کیمیائی متهم نمودند اما در این راستا اقدامی انجام ندادند . حتا به یک پایگاه نظامی حمله بردند ، اما هیچ کس در این پایگاه قربانی نشد (تنها یک آتش سوزی در حوالی این مقر به وجود آمد)

در طول این دوران پر مخاطره ، ارتش ایران ندانسته هواپیمای مسافربری اوکراینی را که از تهران عازم بود مورد حمله قرار داد . این اتفاق باعث شد تا میان ارتش که تحت امر حسن روحانی می باشد و پاسداران انقلاب که تحت امر مقام رهبری هستند، اختلافاتی به وجود آید .

ایالات متحده نیز هیچ طعمه ای را رها نمی کند . آنها قصد دارند همراه ایران از خاک عراق عقب نشینی نمایند . سپهد حاج قاسم سلیمانی نماینده و حامی ارتش ایران در عراق بود . هم اکنون این عقب نشینی دو طرفه مورد بحث و مذاکره قرار گرفته . ایالات متحده از سوریه و عراق به سمت کویت در حال عقب نشینی می باشد . نامه ای که توسط جنرال ویلیام شلی نوشته شد و سپس لغو گردید ، از عقب نشینی ایالات متحده از عراق خبر می داد . این امر نشان می دهد که مذاکراتی در این راستا در حال انجام می باشد .

حاج قاسم سلیمانی از زندگی بربر خود بدون شک افتخار می کند ، شاید مرگ وی نیز بتواند صلح را در این منطقه برقرار سازد .

[۱] « [Les États-Unis vont-ils se réformer ou se déchirer ?](#) », par Thierry Meyssan, *Voltaire*, ۲۵ octobre 2016.

[۲] «ایران و اسرائیل به طور هم زمان از شبکه نفتی ایلات -اشکلون بهره برداری می کنند» ترجمه Sylvia Bejanian, شبکه ولتر, ۹ جنوری ۲۰۱۸, [www.voltairenet.org/article1...](#)

[۳] " [Shock Wave Generator for Iran's Nuclear Weapons Program: More than a Feasibility](#) " Study, David Albright and Olli Heinonen, *FDD*, (May 7, 2019). (PDF - 4.3 Mo)